	اول اصلاح التصاد سب	الم ال اول الم الم الم الم الم الم الم الم الم ال			
٨ ذ يحجة الحرام ١٣٤١ ( ٣٣ ) توتيه ٢٢٣		۲ شنبه ۳۱ بوج سر طان ۱۳۰۲			
این روز نامه بدون نقاضای کتبی برای کسی ار سال نمپشود	$\sim$	بر مسئول : داور	صاحب امتياز و مد		
وجه اهتر منظم الله الله المترجة الله المتحدين الله عنه المتحدين الله المتحدين الله المتحدين المتحدين المتحدين ا المتحدين المتحدين الم			المست اء		
ساليانه شتياهه سه ماهه			صفحه اول 🔰 مطرى		
د اخله خارجه خارجه	フリノリフィ		صفحه دوم و سوم ، « « صفحه جهادم ،		
مرید کرد. در قدیمت الک شما در ۵ شاهی است					
	l • s 2 luis 2 luis 1 luis 1				
المسابقة أجديد للمنافقة المنافية المنافية المنافية المعادية	داریم که باین زودی موفق بیلمبدناین	دواو المبام مختلف ببالباش حاش	از مقالات و رده		
قالون استخلام	لقمه چرب و قرم شود الذا در آن اسم اور دارد این شیارم بود مکانارد	and a stranger of the second stranger of the	دوست عزيزم المثلى احت		
	او۔ دا برای شمارہ بعد میکداریم میں او۔ ۲۰۰۰ کی م ۲۰ شرکتیک زادہ ک	بالاحرم انچه در خدو د قدرت انها.			
ا به توسید اس سال اس است در اولوع ایندهارم است. به جالی دارد برای ا	· educed free so the gene and may	احت صرف میشود و لی مربض ژوز	محمو المانه مای بشود هو یی شود کل _		
المُ الله الم الم الم الما الما ما را نوشت ده الله في تقديم والهنم كرد الم	المرجه مادر لحن الد رقبق، يزمان	بروز بدئر میشود و ی تربیس و ور	بنواعى برسد		
دا که مدخواهد بنویسد و باداره ما برساند است باید نادهم برج اسدشرخی دا که مدخواهد بنویسد و باداره ما برساند ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰	مدیر مخترم الجاد آقای سز ۲ کتبک زاده حُرف داریمولی در مخالفتایشان		حسن کر در این جا است که		
ا مېلې د سېمونې سوي د و وداره کا ور مانځ و مېلې کې	الااحتكاريك أيالت كاللا موافقهم م	خود را بانشنجات احتضار بجان آفرين	من در کنار و حواشی قضایا راه		
The second state of the second s	البته بأيد منابع تروت ايران را	السليم مينمايد مشرب رهي فريش أو	می رومہ و باین جہت قوہ قضا وت		
A second stand and an an and an and an and a second stand and a second stand and a second stand and a second st	بکار انداخت و از آن فایده برد 🗕	در میا۔ ان هیاهو و شیون	من مسابل را بعتر تشخيص مدهد		
أبلكن	اما فاید. این منابع را هم منحص ببک عده محدودی کردن غلط محض است .*	وزاری اقوام و بسته کان انشخص	کلیک مداین در بست سیسی محمد ا		
برای استحدار خاطر عموم مرضای محتوم اعسلام مبدارد کی همه دوزه	عده محدودی در دن علط محص است . در با د کو به برای استخراج نفت	و در آثر المات روحی و جسمی که			
ر به استثنای جعه ها ) از ساعت هشت صبح نا ظهر اغنیاء و متوسطین و آزینج	يك قطعة كوجك ت. جقدر ها سميا في	ابرای ن شخص مریض در وقت احتصار	میدان ترد نمی شدم می کویند .		
전에서 한 김 씨는 지난 사람이 있는 것이 나가 많이 있는 것은 것을 하는 것이 가지 않는 것이 있는 것이 없을까? 그는 것이 없는 것이 없는 것이 없는 것이 없는 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없다. 것이 없는 것이 없 않는 것이 없는 것이 않이	کار کی کند و میں اور	رخ میدهد آنها کربه های مر. سفره	بنير ز علم و لياقت و در انطر ف سر		
نا "هفت بعد از ظهر کما فی آلسا بقی مرضای نقبر و، بی بضاعت پذیر <b>ا ثی می شوقد .</b> از می به این از طور کما فی آلسا بقی مرضای نقبر و بی بضاعت پذیرا ثی می شوقد . 	علت اینکه یک ایات وسیم ایران را باید ببك کمپانی بخشبد چبست ؟		حد سمی و عمل یک منہو می است		
، به به ما براسینه به از مراجع السلطنه ( - C - به دامی - ما کنواسیاه السلطنه ) .	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	یك میشی دارند و از پریشانی خوانواده م م	که اورا شانس میکویند		
مانین اندره اهلان ۸۳ . ۱۰ - ۲ - ۱۰ - ۲ - ۱۰		و کسانی که در ان مصبت شرکت	■1 「そ」」		
	، صلاح بو <b>وگ</b> رام ا	. <b>کرد</b> ه اند استفاده میکنند و منتظر ند	می دانید که این می دانید که این		
in the second	العلبمات متوسطه يجير	به بینند در کدار دقیقه چشم های	کلمه مچیست و ایا یک ژوز کا این		
مطيعة عدرن إلى من	العديمات متوسطه يابي . مان بي المراجع المان المراجع ال	اشك الود و مصيبت زده حضار أطرف	موجو د فراری از من و شما از گذر		
	مطالبی کہ دیروز۔غوان کردیے	هیکر متوجه است تا بتوانند از آن	ی شنا از در خانه شبا عبرر کر ده		
دقتر ملبعه مدرن که از مدین آقبسل، نعطیل بود. اینك پین از تر قسم نوآقس بدر کت جنساب آقای حاجی دحیم آقا؛ اقعادیه و مشهو انتشکر دینچ	از روز اول نوخینه ما را کجل کرد .	خوان مصيب لمنه سومت كنند و به	المنتقى المستحد الم		
مورس بيلو ان جيساب (ابان عاجي رحيم والاراعة ديه و منهو مشهو مشكر دينج مكر ديجيسان المتوح، كرديده و من بعد اسم اين مطيعه موسوم بشر آت مددق	چند مرئيه لذكر داديم اعتنانكودند .	مون مسیب مشه شوفت کنند و به واهی برسند	يقين ميدانم خير ا		
خواهد بنودهم المولي الموسية وعلى بسبسم ابن معينه وعوم بشر مت مدون	کو دنای ۳ خوت واقع شد ، نظریات		그렇게 잘 하는 것 같아요. 이 것 같아요. 아이는 것이 가지 않는 것이 가지 않아? 아이는 것 같아요. 가지 않았는		
الما إستحضار خاطر مشتريان معترم خود مبر ساند كم كما تمي السابق	ما را در خصوص اصلاح معارف خواستند.	••	پس نیائید قدری در این مثل		
همه نمره اقدام خووف مختلف فارسی ــ فرانسه ــ ارمنی ــ وقیمی درمطبعه	یکی از اصلاحانی آنه پستنهاد کرد؛ ام محمد با مدینده کراسات الات	فامبل و دوستان آنشخص و مريض	خوامانه اريك شويم و به بينيم		
موجود و کلبه سفارشات ادر قهایت انشافت و سر له جو کی بطبیع می رسایداجرت	حربیو که بعد رمو کرام احسبالات متوسط می ا اسکبلات مدارس متوسطه بود .	محتضر است هر كىدام بفراخور حال	ی جواند چه خوادث و جریا نا تی پیدا ی		
المبيع أوداق أجادني وكارت ورزيت مناسب است و مخصوصا بمنا دهات خولتي	ا ای از از کر معایت کنتریم مدرست	خوه فكر مبكنند ازجه طريق وبا جه	می شود تا کل بنوالی می رسد و ما		
الخنیف کاری داده می شود: و نبستر شعبه کاغذ فروشی و صح فی کامسل قارر است.	متوسطه واسطه است بين مدرسه ابتدائي	سباست و امو ای ممکن است وطن و مدلکت دار از آین بکر داب مدان	با لفظ قلم و با هزار فلسفه و		
قابر است آدرس خیان لانه زار مسل ساید خدد	و مدوسه عالی . نجسیلات متوسطه برای این است که داه طلب دا به امینه ب		ی قیود اسم او را شـانس می گذارېم		
آ درس خیابان لاله زار معمل سابقی خود آنه، نمره اعلان اهه، است. این می می آن	این است که داو طلب را برایورو د به مدارس عالبه مهباسازند .	ار یك طرف شباست ما یا دولت			
	مدارس عالىكه امروز ما مهتوا تبم	متجاوز خنوبى بواسطه ليعبد علما ليزه	من وقتی که در این چند روزه		
در سورت آمان ــــ به مدرسه حقوق یا و سیو شش ساعت به پیت وسه چهار	داشته باشبتم عبارت آست از مدرسة طر.	شده از طرف دیکر معاهده مایا همایه	نشثات و پشت هم اندازی و ر		
در صورت امکان ــــ به مدرسه خفونی یا و شی شاعت به بیست وسه چهار ادبهات و فلسةه خواهد رفت ـــ دراین   ساعت تقلبل خواهد یافت . محصلین برای	و دوا سازی و دندان سازی و مهندسی	شمالی هنوز بامناء نرسبد. فقر از سرروی مامبریزد درمبان	دو نده کی یك پیر مرد ه : تا د ساله		
مورت داخل شعبه ادبی ( سال خهارم ) حاضر کردن دروس خود وقت پیدا	از یك طرف و مدرسه حقوق و ادبیات و دارمه ازطرف دیگ	این هماهو یک کهنه حویف زیردست	یک را دیدم قدری در قضایا باریک		
أدمى ) مى شود . چنانچه طببعة متمايل خواهند كود ، تاسيس اطاق مطالعه-	و فلمه ازطرف دیگر . با پرو کرام کنونی شاکرد برای هېچ	و فوق آلعاده طماعی مشغول آست ،گر.	شدم موضوع نفت شمال و جریانانی		
» به علوم طبیعی یاریاضی است و «بعد از با آن همه مزیا ای که در مقالات کذشته »	با پرو گرام دروی شا کرد. برای هیچ ] آیک از این <sup>ی</sup> ه مدارس خاضر نمیشو د	و فوق آلعاده طماعی مشغول آست بکی از منا بع مهم شروت ملی مارایغما کند	که از دو سال قبل گا بحا ل		
ختم الحصبلات متوسطه - اكر مقدورش برايش نقل كرديم - أمكان يذير مي	من خلاصه پېشنها د کردي. نعابهمات	آییخشید اکر من در روزنامه شما	بیش امدہ است و حملا نیکہ ارباب		
باشد - داخل مدرسه طب - دواسازی شود .	متوسطه بدو دوره لقسمه شود ف طول	خارج از نزاکت چېزی می نویسمزیرا			
دندانسازی یا مهندس خواهد شد در متعلمینی که به ختم این دوره ها	مدت نحصبل در هر دوره هم سه سال	حقيقة مدائل در پېش من روشن مېشو د	قالم و ليدر های قوم بزمامداران		
این تورت به نغبه علمی ( سال خهارم آنایل مېشوند برای مدارس عالمبه حاضر	با شد	دو کابېنه آقای قوام السلطنه و. بلک کامند آقای مند الد اد دانکادند	کردہ و اثراتیکہ مخالفت یا موافقت		
علمی ) خواهد رفت : باین آر لب اشکلات مدرسه متوسطه ما بالا از از همه ازسن که ــ اکر	مین هور. دوم متوسطه را ـــ که از سال چهارم شروع مېشوند ــــ بدو شعبه	یك کامپنه آقای متبرا لدر لهو بك کامپنه مهمل و ماجراجوی مستوفق ویك متعلق	هو لت انکلیس یا روس در حل و		
	القسيم يكنند : شعبه ادبي ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	مهمل و مانجراجوی مستوفق ویک متعلق دو ساله و احتباج قطعی مردم به تفط	کیفیت این امتیاز کرد ه. از بیش		
عبارت خواهد بود از دوره اول متوسطه خبال المقبب لمحصبلات خود رآهم نداشته	در پرو کرام لجدید نظر بنمایند . از	شمال و مدّای نقاضاًی آملاحات توانیت			

i sundi Mas

ا آن همه مزیانی که در مقالات کذشته 🖉	یه علوم طببهی یاریاضی است و بعد از	ایک از این مدارس خاضر نمبشو د	از منابع مهم شروت ملی ماراینما کند	که از دو سال قبل کا بحا ل
برایش نقل کردیم - امان بذیر می	ختم لحصېلات متوسطه ـــ اکر مقدورش	المحمد خلاصه ب بشنها د کردی. نمایمات	البيخشيد اكر من در روزنامه شما	بیش آمدہ است و حملا نیکہ ارباب
شود :	، بأشد - داخل الدرصة طب ــــ قواسازى	متوسطه بدو دوره لقهم شود نسطول	خارج از نزاکت چېزی می نویسمزیرا	and the second
متعلميني كه به ختم ابن دوره ها	دنداندازی یا مهندس خواهد شد در	مدّت لحصبل در هر دوره هم سه سال	حقيقة مسائل در بېش من روشن مېشود	قام و ليدر هاى قوم بزمامداران
نا بل مبشو ند در ای مدارس عالیه حاضر	این تنورت به شعبه علمی ( سال خهارم	Here the second a second secon	دو کابهنه آقای قوام السلطنه و	كرده و اثرانيكة مخالفت يا موافقت
و آماده شده اند	علمی ) خواهد رفت :	المربية هور. دوم متوسطه را ـــ كه از	یك کامپنه آقای منبوالدر ادویك کامپنه	دولت انکلیس یا روس در حل و
الالر از همه ابسن که ـــ ا بر	باين أو لب الشكبلات مدرسة متوسطه ما	سال چهارم شروع مېشوند ــــــ بدو شعبه	مهمل و ماجراجوی مستوقی ویك مجلس	
خبال المقبب ليحسبلات خولا رأهم نداشته	عبارت خواهد بود از دوره اول متوسطه	القسيم بي تندد : شعبه ادبي ـــــ شعبه علمي.	دو سالة و احتباع قطعی مَرْدمُ بَهُ نَفط	کیفیت این امتیاز کرد د. از پیش
باشند هریك هر یکی از دو رشته علوم	شامل سه کلاس ـــ دوره دوم متوسطه	در پرو کرام نجدید نظر بنمایند»، از ا	شمال و حدّای نقاضای اصلاحات توانیت	چشمم کذشت درست تطبیق کردم
	دارای شش کالس بعنی کلاس چهارم	پرو ترام کمنونی موادی که برای هر: ادانا به کمنونی موادی که برای هر:	<b>ماقبتُ از نشبنات آين پُبُر مُرد ط</b> معار	
و ادببات في الجمله لخصيمي دارند و	و پایجم و ششم ادبی و کلاس چهادمو	يك ازاين شعب لازم نبست حذف كنند	خود را نجات دهد ودر حين اينكرنمام	ديدم مورد شاهد همان مثل عوامانه
عوض این که معلومات آنها مقسداری	و پاينېم و سلم اوبي و مرن چه وري	ومایقی را نکاه دارند . محصل پس از این که سه سال اول ـــ که دوره اول	جرايد مشنول ما ئل مهمتر و يا بي	لاً: <b>امت</b> آ
محنوظات بأشد فسيتعاد والمتعاد والمتعاد		متوسطه نامېده مېشود ـــــــ نمام کرددوق متوسطه نامېده مېشود ــــــــــــــــــــــــــــــــــــ	اهدیت او هستند مودم برای نیمبذعلماء	ا آقای داور ؛ ایا دقت کرد. اید
المقواي فكربه آنها _ الاحدىك	به مرائب سیک تر از چرو کــرام دملی	خود را می سنجد : اکر مبل بادیبات:	داد و فریاد دارند این شخص مشغول	10 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1
وسایل امروزی اجازه میدهد ـ بسط و	وحواهد شد و الم المراجع الم ال	و فلسفه دارد و بنا بر این همین که	است که امتباز بکی از ایالات شمال را	یک شخص باثروتی در نحت تاثیرات
نمو حاصل خواهد کرد .	عده ساعات ندريسيه در هفته ازسی	للحصيلات متوسطه اش به پايان رسيد ـ	برای خود آزدو ان بکبرد و چون اطمینان	مخصوص ناخوش میشود انواع و اقسام
		n Kan a		
			• • • • • • • • • • • • • • • • • • •	

Y unin 11

علاوه خواهبم کرد باین عناوین و به اسم

مغارح ممبزی و العارف متجاوز از سه

هزار او مان از مالکین دریافت اموده اند

حثا نحه همين معا مله را با جند نفر از

مالکین دردادن امارف خود داری سوده

كردهاند حون نقل آنهارا وزارت مالبه

مطلع شده مبردا نصر الله خان ممبزاول

نابند معنى از بالكن در مدداسترداد

وجوهات خودشان برآمد. بودند وترقى

ديوان بارونيه خود را قيسيلا فرستاده

خبودش شب پېاده قرار نمود. در دو

فرسخى سواركارى يت شده و درعكر آباد

وبلبط باسم محمد خان كرفنه عازم طهران

شده است ارفع نظام که جدا بامرممبزی

دخالت نداشته و از وجوهـات العارفي

کمتر نهره برده است هندوز در قم و

مبرزا نصر الله خان ممبز اول در کمال

المتحت والجي طمعي شروع بنة لخساديد

آخوند فشار کی و سبد عراقین و آقا

سبد محمد نجف آبادي وارد خوانسار

اهالى هبهم كأدلا استقبال احدر أمات

لازمة بعمل آورده فعلا درخوا نسار

المن خراف - در مكله ليبوري سالاري

· إذ اطراف سلامي عبد النفور نام عرائي

را دیرای درس دادن اطفال می آور د

در پانزده روز قبل او طنین مبشوند

ی عدوش را خواسته مثار البه جندروزی

ی فایت بوده بعد غفلتا دختر ا بر اهبم

نام سالادی کہ کویا سا بنہ او

داشته بر داشته فیرار می کند عبوی

دختر بلا فاصله خبر شده لعقب تموده

عبد النفود با کلوله عمدوی دختر را

مقتول و فرار نموده اقوام دختر محددا

او را لعقب نموده امروز ظهير متنار

البه را دستكبر بقريهروى برده لوقبف

ا المودنة وختر را هم آوردنه

استعبال علماء

خونسار لے ديروز آقايان عشباء

ممبزى تنوده است

المرد از اد

شماره ۲۰۷

A A PARA

مؤرت اسامي مسالكي كي أ إيران

سنة المخاقوى ثبل ١٣٠٠ الجارت داشته

مبالني كه در مقابل اسم هرمدلك

. شده عبارت ازحاصل جمع كل نجارت

And and the other

` ٹو مان

7421122044

Y1\_194-717

1.112

0,771,0.00

Y\_Y24 -----

1 -194-119

1. WY1. 10Y

1\_#112.11

A NOE OVY A AND

YE AM LA

\* TPYEL . O.

ران ات ( وآودات و ما درات ) م ن

زايون من من من من منه الم

ار بطا نیای کہ

روسيه

ىلۇ بك

سان

يتن النهرين

ذول متحدة امريخ

عثماني ارويا -

ند ـــــ برحـب الرابب الهمبت عطاءق

حصائبه رسمی اداره کل کمرکات :

اطلاعات متفرقه الم

مجاس لرحبم 1 P -اشده است ماما ديكواطمينان نداريم آيا. در عداسی کے بمناسبت وصول خبر وتل المكراف ها أي كم مراموز است أسا . آلبه فإماها خدمها مله كنند جواب لكلبف آقا سبد حسن كنزازى از طرف سالار بعضى شرايط مطَّابِقَ دُستُورَاتُ دُفتَسر بِين فورى معن فرماليد رئيس الجبن نظار نظام حكاران در منجد جامع مجاس لمللى الحاديه للكراف قبول منتود عبدا الحنان خادم ملت متحمد إمبرشو كت ختم كذارده ورعموم طبقات شركن وابط با شرق اقسی از طریق کمپانی عضو النجين فطار الت ... شودند 👘 👘 للكراف شمال كراز روسبه عنورمي كند از أو المجاد شده بالاخرة ور الماسر أحارجارهم والماعور و آنها وا بطهوان احضارمی المكر افات د حله کرفته اند که در آنبه نزدیکی روابط اللكرافي بي سبم فيما بين ( لبون و مكو ) امتبساز نفت روسهه از رفسنجان [نمره ۲۱] ۲۷ سرطان ايجاد كند وحريبة إيبار جر ابد الکلیس شرح الاقات کاپاتن مفام منبع رياحت وزراء عظام دأمت نجو ني آبنج مع يان بر **ان ان ان ان ان ا** الوسى) را راجع به امتيازات امريكا أي فرائسه و انکلیس نظمه كسبه نوسط آقاى مؤدد الالملام ما در باد کونه درج کرده آند ـ . آفایان کرمانی مطابق آخبار واسادایات شركت ( بارندال ) بيان المالي ياريس - جريده ( پتي اريزن ) روز بعد از حرکت دامیان چهار نفر لتعار مبدارة كم دولت فرانسه زاجرية و لین کرما نی احت که بعد از جنگ 💾 اظر معدین و درب مندوق را شکسته سَمَّلُهُ عَرَامات مُنْتَظَرُ حَبُواتٍ لَنِدْنَ اسْتَ روسنه قرار، داد بسته است . مشنول غمليات شدندا أراجه براخود نان درزمان حکومت (کرنسکی)شر ک راجع به بادداشتی که از طرف دو لت واضع است این انتخابات با این نزندات ر بور بانزده خاه داشت . حالبه سعن می انکلیس واصل شده سکو لی را که دو لن غملي نخواهد شد و مؤاخذه ابن خلاف الكليس مراعات كرده فوانسه أنبز رعايت مي كىند ابن عدم را بة يكصد بسرساند قانون ا او لباء دو ات است ربطي بداعبان کند همان خریده می کوید که فرانسه بكسد حساء در دو سال بك كرور ندارد ولي در دوسبه انتخابات استادى نسبت به الرك سباست منفى الوسط المان فرانسه حلبك نفت استخواج خواهد شد اكنون ضبط بوده که دسایس و اعمال خلاف چهار انس متخصص امریکائی درباد و به أسرار و آبرام خواهد کرد قانون را مدلل مبداشت يقين داريم براى (ب،ب) ز میان رفتن آنها این اقدام شد. و اسیاب و آلات لازمه بوسیله (آر ا لهستان نېز درماهان که جزء ختوزه ايسن شهر كوس ) بروسبه فرستاده شده است . و فعبكاها الىجو يار آ راء خودرا بانجمن الله مطموعات لهستان اشعاد مي دارند كميانى مزيور خبال دارة بك مدرسة ، مذا كرات عنما في و المستان راجع مباوردند مامورين ايالتي عدة رامضروب متو قف اند جَنابت و فرار نی برای ارببت مهندس روسی کا شبس اعتد مودت و المجارت و اقامتا نباع ساخته وبا قوه قهربه ورقه های رایرا بطوريكه مبل داشتند لنبر داده تصندوني خارجة بطور خوشي بالمام رسهده است کاپېتن ( لوسی ) بکی از اعدای الداختندشايد خوداها لى رفرض در سانند ديروز ٣٠ سرطان بنا بوده ايت المضاء شرکت ( هوور ) است که درسال کدشته ما مبادله شود چې کې کې کې حقبقت لمام مواد قانون انتخابات راايالت برای مناعدت به فحطی زد کان روسبه

متنول اقدام بود . .

دوابط يستى و المكرافي مابين فرانسا

روشبه متقى كرديده و لرليب آنير

مادريد شركت نداشت روابط بستهرسمي

سابو ممالکی کہ در کنفرانس مادر بد

ک داشته اند ندارد باینجهة روابط

سی ما بن فرا نه و ژوسیه بطو ر نیمر سمی

اخبرا مراسلات سفارشم لجاران قدول

د. انت و لي ممثلو لبت منفودندن آن

را ادازه بات فرانسه فدول نكر ده است

عادى نرشته شده رؤالط للكرافي فنتقر

برای للکراف ها ٹی کہ بے زیان

فراد كرديده است 🖉

خون روسبه در کنفرانس پندی

روابط پنی قرانسه و روس

اساس ذیل برقرار کته :

( ب ، ب )

افاديان بالمديدة من دانتر الم المان مركر والعدي المجانية YENJANA C. S WIL with the second is and AS IT ..... ed the ( · · · ) W. 11. (a. ( ) . . . . مر ستلن . منفر فبراريد بالجه ماية برا تغر What Tracker in her YALWA THE STALL الم تبغ 📧 درطی نطقی که در هو قبر زنكبار جن ژیمناستیك ژنوال ( لون دردف) يولوني المستان ٢٠٠٠ د. ٢٠ ٩٩٠ ٢٠ براد کرده اظهار داشته است که جوانان طويش المجزي الم الماني بابد زيادي محبت وطن و مبل إ يو كوسلاوي Astria حك العلو إكمى انتقام را درقل خود پرورش دهند ( ب. ب) نروز 💦 👘 اسانی چنگ او و اس Sector + + Marchan یاریس - جرید. ( اکودوپاری) نوييد : مديران جزايد تقاناى ملاقات ويدرمطوعات فارجز انظره را تبوده أند ولى او ازجواب متناع لمؤدة است جربهم لوثرتهال

شعار مبدارد كه جواب فرانسه وبلزيك

سَمَّلَهُ غُرابات را مايد فسل أز همه حبز

لنوط آند الهمر لنهم شدن سباست استقامت

الله (ب • بْ

نفی از طرف آ لمان

طريقه بدست آوردن شكرنى زراعت في شكر . كم غالبا درمما لك وسبع هندوستان انكلبس- جاوه- بوزيل پرو – و جزایر ساندویچ 🗕 فبلبین و جزایر موریس --- فرمن سر مصر و

در او لوليد شد كه روز نامه ماى اين اطاق را کردد به بیند جه حروفی از آنرا چیده اند یك دسته روز نامه در روی مېز بود آنها را باز کرد و مشغول نظم کردن شد دیـــد بك عده زیادی خروف مرک در بعضی سطرها متعذوف استُ ولى شولوك هلمس آدم سادم أي نبود غالب بعضی جمل و عسارات را از سر می خواند و با آن کلمهٔ ای که در آن حروف افتاده بود فهرسپد و از روی سیاق عبارت می فهمید که بر داشتن آن حرفکار اتحاق افتاده و بدستهانویت شورت کرفته است

شر لوك هلمس بخود مي كفت در مبان اين هُ، رُوْزْ نامه لايد يكى هـت كه مادموزل بـدرد کار خود زده است اما کدام یکی است خاطرجمع قمېشو د او را نېمه کرد

پسشروع بورق زدندوز نامه هاو کتاب **ها و اوراقی که روی می**ز بودند کرد در ضمن ايتكار بكمر نبه فريادي از خوشحا لي بر آورد در یك کوشه میز زبر دفتر های کهنهای عمارت همیشه اویا همازانش هستند و بکمتریسن ( دراموش کردید آن خبر المفونی دا که روی آن ا باطاق لحصیل بچه هاو بیخود این حس کنجگاوی که روی هم جمع شده بود یك کتاب الغیسای

ر کرمان مجری داشته رئبس انجمن كظارت عبدالخين عضو انجون فظارت محمد عضو أنجمن نظارت بر على أكبر عضو انجمن نطادتامبر نوك تمغو انجس نظارت ر فسنجان نمره (۲.) ۲۷سرطان مقام منبغ رباست وزراء عظامدامت نظمه كمبه نوسط خضرت مؤيد الاسلام آقابان كرماني أمروز حس الأمرابات البا الحكومة فسنعان حاج على اكبر از نظار مهاجر بود لوقيف كرده لحت الحنظ كرمان فرستند الساعه الحتانو قبف نأيب الحكومة ستو عاملاني بالو تمامند خدا مبداقة شايد للكرافاني از مسار المه الساعة در احت نظر است به آبهدید به مقابات عالمه مخابره نمايند مجمعهم

حرکټ مېمون سرحدی شاهرود 🗕 🦷 قای مستشار الدوله بَسْمَت مَثْهَد بِا هَمَرَاهَانَ حَرَكَت تُمَوَّدُنْد إها لي در إلله كرا فخانه مر روز متجلس ، دومسه خو آنی برای واقعه نا وار ليعبد علماء نجف لشكبل ومشنول لعزيه داري همتند الم خود را نعقب می کرد شراوك هلمس پلیس زبر د.ت یا سخت منغبر بود که در مقابل خشمهای او این طورجـورانه دردی می کنند و او نائل سه المانسىع شدن پېشرفت نمېشود ټس با همت خنتکي

ناپذیری شروع به نمتیش شد زیر و زوی خانه بادن اميل وال را كرديديا أو كرها ساعات طولاته بصحبت های مختلف می پرداخت در طوبا، در مطبخ هرجا که بود بدون آنکه از عقبم ماندن زحما لش مايـــوس شود به الفتېش و الحقېق مـــى » مدر زند المحمد المعلمي المحود على كفت : - مَنْ كُه بِعْدَيْن

ا دارم بالاخرة در اين جا پي بمقصود مي ترم اين دفعه ديكر ثبابد مثل وأؤمه خانم مرخرماتى عقب حادثه مختلف را بکبرم کشاید از روی پش آمد راهی برای اعقبب نقشه دشمن بدست آرم ایند نعه من در خرد مهدبان جنك واقع شد. ام و حريف بعنی آرسن او پن نه انها غبر مر ثی و کمرنبفتادنی است بلکه از زنگی که دارد می دانم اطراف این

مهمی رخ نکرد فقط هلمس با دقت بی انداز. کار اواقعهای من راهی بېدا خواهم کرد ں خود مېکر د بخو د ډېر می کفت که ابــ افعه دردی جراغ بهودی حادثه ایست که زنسی دهاء من كاملا در آن نظور خواهد رُسبد حلاصه بعد ار ظهر روز شوم بود که انادا ز ضمن کردش در اط قهای آن خانسه کذار شر لوك هلمس ببكي از اطاقها افتاد در فوق اطاقي ، ملاقات او ابه او و بارون در آنجا واقع شد. بود قرار کرند تود 👘 👘 ا ابن اطاق اطاق الحصيل بعد هاى بارن بود یکی از ایشان ها نوبت که دختر کوچکتر بارن و د آنجا نشسته در شمن قبیجی آبوجکی دردست داشت و عقب نوشته آی می کردید 🤄 📖 دختر جون دید هلمس داخل شد بهمان عادت بجكى كىفت : \_ ` ` المسم ب الم مسبو هلمس من بلدم بعبن از آن كاغذها أي که پرېشب یکی برای شما آور ده بودند درست کنم مسبو هلمس كفت : بُعب كدام شب دختر كمن : ... (بعد از شام آن شب

يك خرو في نوشته بودند و حسبانده بودند بلبس انكلبسي در ضمن كم ابن خبر الات قر بجه كم ابنحوف قرا زد از اطلق خارج شد اكر مه ، دبکری غبر از هلمس بوداینجرف را م بَجْهَانَهُ أُصُورُ مُبْكَرُدُ وَأَنَّ هَلْمُسْ مَا هُفْتُ أَسْأَمُ أَنْ مطلب را کوش داده بفکر فرو رفت و در ضمنبک محجه داشت از يهادها سرازير مبشد بكمر لبه بعجانب او دوید. کفت : خوب هانرین آو نوار روی كاغذ مي جيماني فإن المنات المراد والمراد هانریت از روی غرور بجکی کفت : یای من كلمات و حروف مي جبنم و مي جدمانم مَسْرَعُولُهُ كَفْ "بَنْتُهُ كَمَا إِنَّ بَازِي أَوْ أَوَا بَادَ أَوَ داده است بالم بالم الم المناسطين به مها ال تر بجه کفت : ـــ ماد توازل، مزَّبْهِـــه ما اور خودش خوب پلد است از روز نامه حروف می تجبند و ابعد آنها ارا می جساند ۵ که دیری آیان 👓 هلدش پرکیفت ; 🗕 برای چه آ نو قت چی از آذبا درست می کند و. من شده به الله بلیما » محملته کرفت : \_ للکراف و کاغذ که برای مردم می فرستد . ا شراوك خلمس بعد از بن متكالمة بركنت

17 4 28 6 1. 18 294 پېشتهاد ما تورد لوجه واقع شد دلابل ما دونت وقت رًا قسانهم کرد . قدول كردند طرح مارا به موقع عمل کدارند . در بودجه هم اعتباری برای آن شعبات دوره دوم متوسطـــه منظور

مجال تراى المسويب يودجه تشد دولت آقاى سبد ضباء الدين ساقطند. مجاهدت های نازه ـ برای پېش بردن الملوية فوق - لازم كرديد . 🐑 🛞 🕥 👘 دوبق اعلم

اخار شهري م به م در صاحدة را نبه روز یکذشته قدل از ظهر آفای رئيس الوزراء بدربار ساحتقرانيه رفته والاحضرت اقدس ولايت عهد أبز نشريف فرما كرديدند نظر به نصمهم روز كذشته مشغول بالمنتخاب و دعوت سی اس از محترمین از الرای روز سهشنمه کرهیت موسمه شیرو ، خورشید سرخرادر دربار نشکبل خواهند با دادير قيه دهوت الهبه زمود ند ي الم الم آذر با بجان الم الم

ازقرار اطلاعاتواسله آقساى حاجى محتدم الملطنه بس أز اطلاع أز لصميم هُبِنْت دوات راجع به پېشگارى كل آياات آ ذرايجان كه معظم له از طرف حبثت التلاغ نمايند . قوات إنتخان شده إند مشترول لهبه يبينهادا لى شده انسد كه بهبت دوات القديم المايد در مورت المسدوية آن بي يبتنها دات إقبل إين منسام را خواهند iner sign and the second second ناجم حاسه

> روز کذشته که شا بود جلمه كنفوانس عقد قرارداد كمز كيد ووزارت أمور خارجه اشكبل شود نظر بابن كه ( يَرُورُه ) مداكرات هَبَّتُ ابراني نهبه انشده أود ااخبر شد العبين جلمه آ ابه المجل فطر و موافقت هبئت ( د ابکاسبون) -لا روش خواهد شد ممانستا ا کار کدار خراسان کی آقای منتصر السلطان از طرف وزارت خارجه بسمت کار کداری ایات خراسان مصوب احكام ترسمي ايشان سادر كرديد

و ابز آفای مقرب السلطنه کار کندار فعلى خراسان از طرف وزارت خارجه إحفار كرديد لحديد انتخابات

نظر بابن که بك ماء قبم ازمدت هبتت وتبسه العادية لجار بيشتر باقى تما ندوازطر فالعبث الحاديدهشت الغريراي نظارت اجذيد إنتخاب هبئت وأبسه اعمان بمدوم نجار اعلان شد کړ برای اخذ لمرفه نا زوز پنجشيه بازدهم شهرجاری به الحادية للجار رجوع تمايند إس أز اخذ العرفه إز روز دوشنيه يالنزدهمشهر جاری إلی جهارشنبه هفدهم شهر جاری بایستی آراء خبود را بصندوقی که در الحاديه معين شده است اسلبم تمايند ا کمپورسیون ایران . ا روز شنبه هبئت رئبه اكيوزسبون ایران در نکبه دوات اسکیل و آقایان لحار آذر بابنجان را برای شرک در کموزسبون دعوت نموده بودند از طرف هُبْدْت رئبسه به آقایان نجار آذربابجانی خطار شد که <sup>ی</sup>ه احار مقیم آذربایجان اعلام ذما بند هرجه زود نر نما بنده ذو دشان را، به اكميو زنتيون معرفي نمايند وشقيه مخصوص برای تمایش امتعه و صنا بم آذر بإيجان ناسبس نمايند أزطوف آقاى رئيس الوزراءنين للكرافا به والىفعلى آذربابجان امر شد که دعونی از اجار نموده منظور دولت ازناسيس اكموز سبون که فقط برای نوویج امتمه ابرانی است

وقود اسلحه از قرار اطلاع غبر مستقهمی که ی ا رُسْدَهُ اللَّتِ اللَّحَــةُ كَهُ اد و التَّ سا بقشا از آ امان خربتداری قمود حندى است از بر ان حمل به واشنكتن وارد واز واشتكمتن يطرف رحدحرك نوده الت 👘 🔅 مراجعه مامورات روز , کذشته قبل از ظهر آقای امور خارجه به وزارت خانه آمده يشبول مراجعه بامورات مهمه كرديدند مقارن ظهر نایت اول سفارت روس به معبت نما يندم المجارت روض كه جديدا وارد ایران ( و خبر ورود ایشان وا انتشار دادیم ) خدمت آقای وزیر امور خارجه مثرق شده مدنى مشغول مذاكره وْ لوجبح دَادن مَنْظُورْ تَمَايَنْدُه

فجارت از ما فرت بإيران بودند لغيبر و الديل نظر باطلامي كه روز آندشته لحصبل

مرد ازاد

شده آقاى دكتر مبلسو لنببراتمهمى آ در وزارت ما ابه در نظر کرفته و به آقای وزیرمالبه پېشنها د نموده است که پس از اصویب وزیر مالیه به موقع اجری کذارد. شو د

المجابت از حکومت نظروبه شکابات متعددی که اهالی دامنان از حکومت نظامی آن جا نموده نداز طرف وزارت داخله موزارت حنك نوشته شد که حکومت آن خا را اخضار . دیگری را نوای حکومت انتخاب نمایند از قراری که بوزارت داخله وایرت داده المد حکومت فعلی مترصد است که خابت نامه إز اهالي دامنان الحسيل لموده أوزارت جنك إرسال أمايد :

دعوت در محجد سلطانی هبنت علمبه مجـددا از عموم ملت يعوت درو دوشت دو شنبه و سه شنبه و حهارشنبه كرعبد أضحى است باكلامالة در منجد شاه حاضر شو د ي يو قبف آ زنخا بات شهر بار بموجب دایر نی که باداده حکومت وأمل شد، است پس از ورود آقای مبرزا ممدى خان منتش خون نسابنده انجس مركري ساوجبلاغ حاضر نبود اقدامانی از طرف، آقای مبرزا مهدی خان بعمل نبامد نا اينكه ناصر الاسلام بسمت زميا ينده كي المجفن مركزي ساوجبلاغ وارد پس از ورود انشان حلسه با جفور ] قای مبرزا مهدی خان فاصو الاسلام نشكبل و اعتماد نامه مبرزا سلیمان خان را که نماینده سابق انجبن مركزي باوجيلاغ بوده، مطرح مدا كردقر أرداده آقاى نامر الاسلام اظهار مر, دارند جون إعمار نامه مثار البيه فقط مامضای رئیس انجمن و مهرانجمن است أأوجب ماره ٨ قا تون انتخابات سنديت تدارد و بدون تتبجه مجلسختم می شود . رسبد کی بشتایات نظر به شکایات متعددی که ازاها ای قربه بر کرد از **کفیل با بق حکومت** 

二、家族 道王 月 قوجان تموده بودند از وزارت داخله بحكومت خديد قوجان دستور داده شد که رسیم کی بشکایات اها لی نموده واز کینبل سابق حکومت که فیلا متصدی کار كذارى آ نتجااست لوضبخات لأزمه خواسته مراك را بغور ت بوزارت داخله را پرت ره روی میرهای مع ودر ا<sup>25</sup>اد

فصمبم نامه

مجلس شورای ملی طرح قانون مخصوصی

رای استخدام معلمین در نظر کرفته تؤ د

در مجاس عانی هم مورد اوجه واقع

شده قانون استخدام كثورى شامل حال

سلمين و مديران مدارس تمېشو دوو زارت

اآبه نباید از بابت حتوق القاعد آنها

جېزى كېر بكدارد . در دوره پنجم

لقنبنبه قانون استخدام معلمين از نصوب

خواهد كذشت و نكلمٍف أبن كار معلوم

🖓 🔁 فق الندر يس 🖗

الم 🚊 آزادی شعل معامی هیئت وزرا

السمىي أودند كم حون قانون ٢ جوزا

۱۳۰۱ شامل معلمی نبست و بکمنفر "ممکن

است رئيس مدرسه دولتي و معلم مدرسه

دولتي هم بأشد لذا وزارت مالية بإينه

كمافيها إسابق حق التدريس رؤساء و

ناظمين. مدارس را بير دازد المجلس ينجم

از وَ دَر ابْنَ أَ بَ فَ أَنُو نَى بَبِشْنَهُ اد

لمحمن و قاما م

داو د خان و دو نفر د یکر از سایندگان

ساحب منصان منتظر خدمت که ازطرف

قلمة بيكي او قبف شدند مقبة ماحهمتصان

منتظر خدمت شتنزل خاجي آقا جسال

الدين و فنه متحصن عدند دوز \_ كذشته

بكنفر معين نابت ازطرف قلعه ببكسي سنزل

حاجي آ فاجمال الدين ز فند : اجتبق مقاصد

آقامان فوق وأمنظوراز أحضنرا نموده

است حضرات عبوات داده اند که کارمی

خواهبم . حاجي ، آقا جمال الدين قبز

صورت إسامي آنهار اخواسته است. كه نوسط

الله رُوز قبل رمضان نام مغروف به

هبئت دوات اقدام نمايد

اقتحار از. اهقب

وربروز پس از دستکبری سلط ن

الله نظو بصرفه دولت کے فقدان معلم

رده عنفا با او عمل شنبع نمو ده انسد شار البه يس از ورود شهريك متقال اسره خراده و خود را معسدوم قدوده زبرا که 'حرل این عمال منافی عفت يراو كران بروده آست از طرف أداره نظمیه مشنول العقسات آن ها هستند که محازات برسانند هبئت وزرا لهميم نمودندكه جون

وجار را که صاحت منظر ی داشته چند

از ادرار بدسابقه او را مخارج شهر

أعقب اشرار لراكمه

کمش المه \_ دیروز عد. از نظامیان راکنه که نقریما ۷۳ نفر بودند بافناینده قشون صغرا الرخت حكم رياست قشون استرآماد برای دستکبری بلخی ازاشرار الرا كمه تصحيرا مبروند در بين رام به عطا خان که بکی از سر کردکان اشرار کو ما هشت نفر نظامیان را جند روز قبل بتحريك مشار إلبه غارت أموده بودند مضادف شده رقد از قدری مذاکره کار مجنك مبكند عطا خان مىببند نمبتوانه مقاومت نمايد فرار مبكنه نمايند فثون او در العقب باشمشير بسو عطاجان مبر ند که مبافتد اورا میکبرند بیرند استر آباد نزديك إوز باسلاخ كه مبرسة آ قاكردى خسان که یکی از رؤساء قرا که است بواسطه این که ذخم سر عطا خالخبلی کاری و خطر ناك بو ده او را بخواهش از نظامیان میکبرد. میبود بخا نو خودش فعلا عطا خان در منزل کردی خان و نظامبان در حوالی آنجا منتظر وستور تا نوى ازطرف رياست قشون هستند

انتظار نتبعه ا رشت \_ آف این حجج اسلام و تمايندكان اسناف هر ووزدر للكوافخانه الدريف دارند و، منتظر نتيجه أقدامات دولت می باشند هـوا دو سه زوز است می بارد المحركي خبانت و فرار م قہ \_ از قرار مذکور وثوق دیوان ممبز که مدنی است بالفاق ارفع نظام مامور و مشغول منبزی بودند ما کین را المديد مبكردند كه ماليات ملك شيا را

اريس لوين مجادله با ( شرلوك هلمس ) (تاليف مور ساليان . . . . . . يو ارجمه: محمد على ـــ كلما أبان ی خطور ، شده بك خراش ، كوجك كه آ نقدر نصبلی المدادد المجمع المحمد المحمد المحم درين ضمن ممبو احبل وال باقو كر ها از

عنب داخل باغ شدند بارن بېش رفته کف:-آ. حجه خبر است هلمس ؟ مَعْلَمُسْ دَرْ حَبُوابَ بارْنَ كَفْ : ﴿ جَبَعُمُورَى المتدة فغط يك خراشي بسبنه رفبق ماخورده است والمي خون مانند جويبار از سبنه مجروح ببجاره وياسن جارى بود و زنك ديكمر برويش نمانده بود پس نوری بارن عقب دکتر فرستاده · طميم أود إز معاينه كفت ا أرجهار أمهلهمتر بهشتو مجافر فرور فنه بود بقلبش رسیده نبود و کارشرا دانه نشان کردن بندو کلبه جواهرات و مبل های

ملمس باز شوخی کردن را قرك نکر ... كفت : - تجهار مبلمبتر غرب اقبالي داردمنهو و كر كن : المال . . اقدال بنا خوشیختی که برای رفیتان نصور می کنید باید شش هفته دیکر دربتر، بخوابد و اقبلا نادو ماه ( the group ديكين كاءلا سالم أست الها،س آخت : الم حتما ! المشتر ازين كه طول ذخواهد كشمد د کتر کغت : – اکمر اشکال جدیدی and the state of the state هدمس کان : تـ نه خاطر جمـع باشېد کش که اشکالی نیخواهد بود 🗧 

المعد از آنکه هلمنی کامسلا ازصحت رقبق خود خاطر جمع شد بابارن باطاق فوقاني رفسند آبَن دَفْعه درد اسرار انكبردست زد بسبنه هبچ بك از اسمان های قبدتی نگذاشه بود قوطی سبخار ماخته بود المراجع المحاص من المحالي الله الله المحالي كم حمل آنها سهل بود. برداشته است

مفهده صبح یک بارن و هلمس مشغول انتبش شداد از ایبدا نما یم ی کاملا جای یاها و آثار دزدان پیدا بو دو تخوبی معلوم بود از محاور که مشغول بنا لسی آن هستند دزدها دال باغ شده اند ایمد از این احقیق بارن رو پهلمس کر ده کفت : این دزدی درحقیقت دزدی چند شبهیش است کم بغبنه نکرار شده است . علمس كغت : - بلى اكر از أامبنات بپایند و انتبش کنند همین حرف را خواهند زد وای من با اطمنان کامل و خاطر جمعی امام بشما قول مبدمم که دردی دیشب از خارج این حباط شما بودة و دزدی چراغ بهودی بدست یکی از الهالى خود ابن خانه مورت كرفته است الم الم المن : ــ من كر هنوز معتقد نبستم شما دلېل بېاورېد ناباور کنم الماسى كفت : - آفاى بارن درت دقت. کنېد اينجا دو عمل صورت کرفته که بين آنها ارامی دهم . فقطبك روابط ظاهرى موجود است الها من هر كدام

بنجره أطاق باز وبك شبشة آن شكته و درموقم مى آيم كه آن رابطه مخفى بين اين دو دزدى وضع صحبت و خباطر جدم، و اطمنانه. که افكا. خود ظاهر مساخت بقسمي بارن را مجاب کرد که بارن دیگر صحبتی نگرده کفت : خوب حالا ترویم کمپسر خبر این یکی دزدی را پدهیم الهلمس ایک مز لیسه ۲ به این حسرف بارن عصبانی شده کفت : سه ابدا ابتدا من است نه با پلېس وقتى بايد بكمېسر خبردادكه ن شما بکویم و محاج بازان باشیم 🐨 مارن کے فت : ۔ پش امری که بسمت رقبق شما إنداخته أند . . . . الهلمس كف : - الممبتى ندارد

بارن کفت : اما دوست شما . . . الهلمس كفت : ـــ دوست من المجاروح شد

هنوز که طوری نشده د کنتر آهم باید درین واقعا بكلي ساك بإشد من از طرف محكمه لجواب هم . .

را علىحد، لحتبق مى كنم آنوقت در مىدد بر الماي أو زوز ازينمقدمه كذشت كم چندان واقسه



این اجارت از هاند و اختصاص بهخود و غیرہ زراعت میشود امروز در امریکا در زیر فشار آسیا های بخار قوی زبان انگلیسہ متوسل بهعقد قرار داد كشنى راني معروف سا ثبده و انرم ندوده شیره آن را بوسیله قسمت لمهم فلاحت را تشكبل دادممخصوصا سال ١٦١٥ كوديد و بموجب آن نجارت لو له ها أى كه به ديك هاى بزركجد أى در قسمت (کوبا) اهمبت آن زیاد نو در ظرف مدت شش ماه نوشتن و خواندن و حرف زدن انکلیسی تعلیسم هاند نسبت به شایر مشملکات محصفون مربوط است داخل و ثناله آن رابرای و محمول آن بېشتر است چنا نچه در داده مبشود آقایانی که مابل ندریس هستند صبح ها از ساعت ۱۱ آلی ظهر به لمبعه سوخت مصدرف می کنند شهر. های کردیـد و از طرف دولت فرانسه این بوسفو رارجو ع الما يند سنه ۱۹۲۰ متجاوز از جهار مابون ان قدغن در سنه ١٦ ٦٨ ب. منفعت كمياني مزيور مي بايست اول حندين مرابسه 1-1 نمر. اعلان ۹۷ ( هريك ان مادل است با سه خروار و جوشېده و از او له های مخصوص به هند امضاء و مورد رِقبول واقع شد سى و سه من ثير يز ) فقط سا دره طريقه زراعت في شكر جبار پنجدیك بزرك حدثی منتقل كردد محصول لمَنْ شكر آن يو ده است حِنَّا نَجِهُ و در آن دیك ها باذغال جبوالی پا آهك ال قطعه زمینی را که می خواهنــــد مَنْهُوْ طَوْمَاس كَمْعَهِلْ إِلَى أَرْ بِزُرْ كَتْرِينَ که معمول از است اصفیه شده.... نی شکرزداعت و عمل آورند میمایست خانه دارای 🔑 اندرونی 🛶 بهرونی 🕂 طویله ت حمام واقعه در خبابان كارخانهاى قند نصنبه كنى امريكا درطي ثانيا توسيله لوله هاى متعددى به قبلا أز هر خس و خاشا کی پالدیا کبرہ دكتر مهمدب السلطمنه أز أول محزم اجبارة داده مهشود طماليين بسنه منزل مأشين موصوم نبه تلمنان نقل و در آن مقاله مبدوطی در این موضوع در کی نمود. و یا اکر مشجر است اشجار آن ثقة الدوله وجوع فرمايند يقلبان آمدة نا بطور بخار إزلوله هاى جا را قطع و ريشة آن را شوزانده و الم أز جرايد محلي اظهار مبدارد بموجب نمر. أعلان ۹۳ 0 11 Y = 17 2 + 4 + 4 + 4 + 4 + 4 + 4 + 4 مار پېچ عمودی غبور کرد. بقسمی که یس از دوسه فصل که ریشه آزا بکلی السُباد ناريخي تي شكر اذ سخباني زمان خالی و محسوی حرارت زیادی است در خاك پوسېده شد از زمين خارج و ییش نزد ملل قدیمه معروف و موسوم. داخل می شو د 👘 تا الد از دیک های بکلی بایر وضاف نمو ده پس از آن جوانه حادكا وهدي به نی عمل بوده و اغلب بجای دوا بزرك جداى ديكر بجوش آورده بوسبله های نی شکر دادر آن به فواصل مخصوص استعمال مبشده است خِنا نجه ( قراك ) نشا نده بداین طرق هر بك جوانه ممكن لوله هاى ماريسج افقى ديكرى غبو دداده نوساز شامل بهرونی و اندرونی در حدود یکی از خبابان های ذیل به کاپتن اسکندر کمبیر در هنهام ما فرت داخل در یك ۲٫۳ سیای سیك متحر کی می است ده دوازده سال دوام کرده ومورد مَبْزَانَ هُزَارٍ وَ يَا تَصِدَ إِلَى دُوْهُزَارٍ لَوْ مَانَ لَازَمْ اسْتَ : . --ا اسکندر از مقدونیه به آسبا و کنف شود که آین آسیا در هر دقیقه ایجاوز استفاده واقع شود قد اين درختازينج الله زار \_ ضاحت اختبار الم إسلاميول \_ علاء الدوله \_ قوام الملطنة سواحل هندوستان نا شط فرات ذکر آن نادری - منبع الدوله - خانتاه - من علی شاه - شاه آباد . از ۷۰۰ نا۸۰۰ دفعه دور خود مېچرخد الی شش ذرع دارای ساق ضخبم بدون دا تموده و مخصوصا او این حکیم یو نانی الم الم الله الى حانة أى براى معامله دارند بدادار. مرد آزاد رجوع و بواسطه این خرکت قسمت مایسم و شاخه و برك هاى عريض وطول يك درع در اولین قرن ناریخ معاصر موسوم به شربت آناز شکر خارج واز آب کنها یا مبياشد والمجا Same Same ( و په کور دی ) صحبت از این کماه تدره اعلان ۹۲ 👘 پنجره های زیر قسمت فوقا نی دیواره آسیا طريقه كرفتن شكر از ني که دی هندوستان مبرویک و ساق آن and a start of the second s خارج شده بطرف بشت آن منتقل مبدود الله حون نا کنون برای قطع وجمع ب مجتوى يك همل مطبوع لمذيذي است 《客意》。我们可能注意了。"我们会知道了。 و شكرسفيد بلورى مطلو بي است كدد نتبجه. آوری نی شکر بوسیله ماشین اختراعی که در زیر دندان مانند نمك خدا می خانة اين عمليات قلبان و ليخير فد ست مي تشده مجيورا يك تغر عمله با داسهاى نمایه ذکر مینماید و خسانچه باز در مخصوص ساق های آن را قطع او پس آيد بعد شربت آنرا بمصرف سأختن **تاریخ قدیم مذکور است در ششصدلسال** الله يك باب خانه در أطراف خبابان لألهزار ـ علاء الدوله ـ ماحباختبار ا از جدا ، کردن برك هاى آن حمل به بعضی مرباجات و شہرینی جات رساندہ قبل از مبلاد مسبح یکی از امیراطور كه أذ ده نا ببست لومان آجاره آن بأشد لأزمت عسم باداره مرد آزاد رَجَوْع فرما تبه واز شکر آن قند سفید خوب می سازند کار خانه مینما یند ، ا ر های جین موسوم به یاتك كمانك سرای 🔧 ( بدین طریق یک نفر عمله روزی و یا همان را خشک کرد. و بطوریک بركب اطلاع و دستور و طريقه ساختن يك نن قطع وحدل مبنمايد ) و عمل آوردن شکر از نی سفارت مخصوص مبفروشند الله الله الن ساقها وا معتدين مركب لرجمه حدين زاهدى بهامود هندوستان نموديه ٢٠٠٠٠٢ خلاصه آنجه محقق است بطوركلي 6 . A. ا اظهدار السف از اين كه يواسطه قيول مختصر خدمتصحي وطا الوابل قرن يا نزدهم استعمال في شكر والمحاج الكطار المحاج والمحاج از جند ما، بالمطرف موفق بيديرائي كامل ازمرض محترم خودنشة مام فقط يطبور دوا ويراى معالجه بغضى الممرابش بوده و در اواسط قرن مذكور فملا كه وضعبت اشتغبال اين جبانب لما درجه در لخت انتظبام آمده المحفون د کتر مر نضی خان معلم ( معلم سابق مدارس آ لبانس وسن او آلی و است اوقات بذيرائي أز مراجعة كنندكان را ذيلا بإطلاع عنسوم يَكْمُنْهُمُ إيطاليا في أز إما لي شَهْرَ (و نَبْرَ ) مريكاتي) ديكردو ديسانسر مريضحانة فرانسوي و يستحاى أمدادي بلدىمشغول genance, water between the state of می رساند : 🗧 خدمت نبست همه رُوزه از صبح نا ظهر و از سه بغروب الى غروب قر مطب طويقه ساختن آن واكثف و إز طرف صبح هما أز اول آ فتراب إلى ٣ ساعت قبل از ظهر مش عضر . دولت مورد الحدين بسبار وحزار كورن شخصي خود واقعه در جنب المسبه رضا قلبخان از دوستان و مرضا " بديرا أي هُمَا أَزْ دُوْ سَاعَتْ قُبِلْ أَزْ غُرُوبْ إلى مُعْرَبْحَتِي الأمكان مُبْلابان به أمواض بول آن زمان جايرز. دريافت نمود و ممارية أز قببل سوزاك و سفلهمي عصر هـ رَّجوع تمايند الله الله الاندر اعلان ٩٦ الم ۲ مدنی مدید و.د آن معروف به قند د كتر عليها المو له تقفى

مرد ازاد

در المقبب اعلانات سابقه محض نذكر خاطر عموم اعلام مبدارد كه جون اموال لبانازوف ها در سواحل بحرخزر محل نامين مطالبات دولت والباغ دولت علبه است لهـــدًا هُوْ كونه مُعاملات كه نسبت به اموال مُنقول و يا غير منقول الشار المهم الدون إطلاغ والصديق أين وزارت خانه بشود از درجه اعتبار ساقط

وزارت فلاحت و تجاوت و فوايد عامه

شماره ۲۰۲

Thi 71-بلزيك ma dy he. 19.-سو يس 1 -- +++ +-170 ايطالى 41V-414 اسياتى مطبعة بوسقوق شبه (۲)

المتحاج والمراج والمهاج والمحاص والمجج والاتجاد والمتياني

فرانك

VA-170

11-1.5

-++ 2

11-1.

4-1-10

VT-2.

12Y-VO

بور س

فران

اندن

ټو بو رك

ذر و ش طهران خريد الله قران 21-10 لندن مكتو بي ٢٥-٤٦ EV-YO · المكرا في ٥٧-٤٤ يا ريس and in the سو يس ټېو يو رك رو ببه بمبلی

· Stel حَجُونَ قَبِلُ أَزَرَآنَكُ إِنَّ مَدْهَى وَ مَطَالياتَ لَبَانَا ذَوْفَ هَا رَسِيدَ كَنْ شَدْهُ ومحتو سقم هر کونه دهاوی و یا اسناد از طرف این وزارت خانه لصدیق شو د دوات همچکونه اسنادی را که از طرف لبانازوف ها آ کماشتکان سابق آنها داده شده باشد برسمیت نمی شناسد و از این جهت خاطرا عموم دا مستحض مبدارد هر کونه معاملات که بدون أطلاع این وزارت خانه در اطراف استاد یا دعاوی اشخاص بعدل آمده باشد این وزارت خانه کان لم یکن دانسته و به رسمت نخواهد شناخت وزارت فلاحت والجارت وفوايد طعه 🖗 Y - Y تدره اعلان ۹۱ مؤشؤع دقابت بزركى بين انظبسوهلند 

است و دولت برسمیت تخواهد شناخت المر بزراعت آن در ( کاناری ) دادک حاصل آن فوق العادة خوب شد بعد از آنجا بامريكا برزيل و مكريك منتقل Received a second and the آنجه معروف و مشهوراست کم کم  $\mathbf{H}$ منافع مايدي براي دوات هايوقت شده الطوري كه قصر هاي عالى و با شكوه ( شار کن ) در آدرید از عایدی اخد فيتحقونى كمركى هذين ممال التجاره بتسا شده است ···· زر قرن هفدهم مصرف قسد داخل اغذيه زوزانه و در مراكبز مهم لجارتي تقوره بينم و شرى واقع کرديدو نامداي هم نجارت آن منحصرا بدست انکلیس و الملند نود ولي إز آن جائي كه بندريج المتحارة مهتم وكحب اهميت نمود

ولى بعضى از مورخين ديكر مدمىهمانند که ماختن قند نی شکر و طریقه لصفیه

آن ترد مسری ها و اعرابی کها که در سواحل رود خانه نبل زادکانی مبکردند

از قرن هشتم معمول ومتداول بوده بعد

ربابطالبا اسيانى فرانسه بلزبك وهددنفون

کردہ ودر قرن یا نزدھم یا دشاہ یو نقال

و آبزی بو ده.